

( وَ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ) وَ هِيَ مِنْ خُطْبِ الْمَلَا حِمِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلَّى  
لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَ الظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ، خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ، إِذْ كَانَتْ  
الرُّوِيَّاتُ لَا تَلِيْقُ إِلَّا بِذَوِي الضَّمَائِرِ، وَ لَيْسَ بِذِي ضَمِيرٍ فِي نَفْسِهِ، خَرَقَ عِلْمُهُ  
بِاطْنَ غَيْبِ السُّتْرَاتِ، وَ أَحَاطَ بِغُمُوضِ عَقَائِدِ السَّرِيرَاتِ.

مِنْهَا فِي ذِكْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِخْتَارَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مَشْكَاهِ  
الضِّيَاءِ، وَ ذُؤَابَةِ الْعُلْيَاءِ، وَ سُرَّةِ الْبُطْحَاءِ وَ مَصَابِيحِ الظُّلْمَةِ، وَ يَنَابِيْعِ الْحِكْمَةِ.

وَ مِنْهَا: طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَيْبِهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَ أَحْمَى، مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ مِنْ ذَلِكَ  
حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ: مِنْ قُلُوبِ عُمَى، وَ آذَانِ صُمٍّ، وَ أَلْسِنَةِ بُكْمٍ، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ  
مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ، وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِأَضْوَاءِ الْحِكْمَةِ، وَ لَمْ يَقْدَحُوا  
بِزِنَادِ الْعُلُومِ الثَّاقِبَةِ، فَهَمُّ فِي ذَلِكَ كَالْأَنْعَامِ السَّائِمَةِ، وَ الصُّخُورِ الْقَاسِيَةِ.

قَدْ انْجَابَتِ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ، وَ وَضَحَتْ مَحَجَّةُ الْحَقِّ لِخَابِطِهَا، وَ أَسْفَرَتْ  
السَّاعَةُ عَنْ وَجْهِهَا، وَ ظَهَرَتْ الْعَلَامَةُ لِمُتَوَسِّمِهَا مَا لِي أَرَاكُمْ أَشْبَاحًا بِلا أَرْوَاحِ، وَ  
أَرْوَاحًا بِلا أَشْبَاحِ، وَ نَسَاكًا بِلا صِلَاحِ، وَ تُجَارًا بِلا أَرْبَاحِ، وَ أَيْقَاطًا نُومًا، وَ شُهُودًا  
غُيْبًا، وَ نَاطِرَةً عَمِيَاءَ، وَ سَامِعَةً صَمَاءَ، وَ نَاطِقَةً بِكَمَاءَ.

رَايَةُ ضَلَالَةٍ قَدْ قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا، وَ تَفَرَّقَتْ بِشُعْبِهَا، تَكِيلُكُمْ بِصَاعِهَا، وَ تَخْبِطُكُمْ  
بِبَاعِهَا، قَائِدُهَا خَارِجٌ مِنَ الْمِلَّةِ، قَائِمٌ عَلَى الضَّلَّةِ، فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ مِنْكُمْ إِلَّا ثِفَالَةٌ  
كَثْفَالَةَ الْقِدْرِ، أَوْ نِفَاضَةٌ كَنِفَاضَةِ الْعِجْمِ تَعْرُكُكُمْ عَرَكَ الْأَدِيمِ، وَ تَدُوسُكُمْ دُوسَ

الْحَصِيدِ، وَتَسْتَخْلِصُ الْمُؤْمِنَ مِنْ بَيْنِكُمْ اسْتِخْلَاصَ الطَّيْرِ الْحَبَّةَ الْبَطِينَةَ مِنْ بَيْنِ  
هَزِيلِ الْحَبِّ. أَيْنَ تَذْهَبُ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ، وَتَتِيهُ بِكُمْ الْغِيَايِبُ، وَتَخْدَعُكُمْ  
النُّكْوَادِبُ؟ وَمِنْ أَيْنَ تُؤْتُونَ وَآنَى تُؤْفَكُونَ؟ فَلِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ، وَلكُلِّ غَيْبَةٍ  
إِيَابٌ، فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبَّانِيكُمْ وَأَحْضِرُوا قُلُوبَكُمْ، وَاسْتَيْقِظُوا إِنْ هَتَفَ بِكُمْ، وَ  
لِيُصَدِّقَ رَائِدُ أَهْلِهِ، وَلِيَجْمَعَ شَمْلُهُ، وَلِيُحْضِرَ ذَهْنَهُ، فَلَقَدْ فَلَكَ لَكُمْ الْأَمْرَ فَلَكَ  
الْخُرْزَةَ، وَقَرَفَهُ قَرَفَ الصَّمْغَةِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَاخِذَهُ، وَرَكِبَ الْجَهْلُ  
مَرَاقِبَهُ، وَعَظُمَتِ الطَّاغِيَةُ، وَقَلَّتِ الدَّاعِيَةُ، وَصَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّبْعِ الْعُقُورِ، وَ  
هَدَرَ فَنِيْقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُظُومٍ وَتَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ، وَتَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ،  
وَتَحَابُّوا عَلَى الْكُذْبِ، وَتَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ. فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَيْظًا،  
وَالمَطْرُ قَيْظًا، وَتَفِيضُ اللَّثَامِ فَيْضًا، وَتَغْيِضُ الْكِرَامِ غَيْضًا، وَكَانَ أَهْلُ ذَلِكَ  
الزَّمَانِ ذُنَابًا، وَسَلَطِينُهُ سِبَاعًا، وَأَوْسَاطُهُ أَكَالًا، وَفُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا، وَغَارَ الصِّدْقُ،  
وَفَاضَ الْكُذْبُ، وَاسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَتَشَاجَرَ النَّاسُ بِالقُلُوبِ، وَصَارَ  
الْفُسُوقُ نَسْبًا، وَالعَفَافُ عَجَبًا، وَلَبِسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفُرِّ مَقْلُوبًا.

## حادثه‌های بزرگ

### خداشناسی

ستایش خدای را سزااست که با آفرینش مخلوقات، بر انسانها تجلی کرد، و با برهان و دلیل خود را بر قلبهایشان آشکار نمود، مخلوقات را بدون نیاز به فکر و اندیشه آفرید، که فکر و اندیشه مخصوص کسانی است که دلی درون سینه داشته باشند، و او چنین نیست که علم خداوندی ژرفای پرده‌های غیب را شکافته، و به افکار و عقاید پنهان احاطه دارد.

### وصف پیامبر اسلام (ص)

پیامبر (ص) را از درخت تنومند پیامبران، از سرچشمه نور هدایت، از جایگاه بلند بی‌همانند، از سرزمین بطحا، از چراغهای برافروخته در تاریکیها، و از سرچشمه‌های حکمت برگزید. پیامبر (ص) طیبی است که برای درمان بیماران سیار است، مرهمهای شفابخش او آماده، و ابزار داغ کردن زخمها را گذاخته، برای شفای قلبهای کور، و گوشهای ناشنوا، و زبانهای لال، آماده است و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.

## علل انحراف فرزندان امیه

بنی‌امیه با نور حکمت، جان و دل خود را روشن نساخته، و با شعله‌های فروزان دانش، قلب خود را نورانی نکرده‌اند، چونان چهارپایان صحرايي و سنگهای سخت و نفوذناپذیرندبه تحقیق رازهای درون برای صاحبان آگاهی آشکار، و راه حق برای گمراهان نیز روشن است، و رستاخیز نقاب از چهره برانداخت، و نشانه‌های خود را برای زیرکان و آنان که طالب حقتند نمایاند.

## نکوهش کوفیان

مردم کوفه! چرا شما را پیکرهای بی‌روح، و روحهای بدون جسد می‌نگرم؟ چرا شما را عبادت کنندگانی بدون صلاحیت، و بازرگانانی بدون سود و تجارت، و بیدارانی خفته، و حاضرانی غایب از صحنه، بینندگان ناپینا، شنوندگانی کر، و سخن‌گویانی لال، مشاهده می‌کنم؟ پرچم گمراهی در جای خود برافراشته‌شده، و طرفداران آن پراکنده‌شده‌اند، شما را با پیمانانه خود می‌سنجند و سرکوب می‌کنند، پرچمدارشان (معاویه)، از ملت اسلام خارج و بر راه گمراهی ایستاده است.

## خبر از کشتار و فساد بنی‌امیه

پس آن روز که بر شما دست یابند جز تعداد کمی از شما باقی نگذارند، چونان باقیمانده غذایی اندک در ته دیگ، یا دانه‌های غذای چسبیده در اطراف ظرف،

مانند پوستهای چرمی شما را به هم پیچانده می‌فشارند، و همانند خرمن شما را به شدت می‌کوبند، و چونان پرنده‌ای که دانه‌های درشت را از لاغر جدا کند، این گمراهان، مومنان را از میان شما جدا ساخته نابود می‌کنند.

هشدار و سفارش به اطاعت از اهل بیت (ع)

با توجه به این همه خطرات، روشهای گمراه‌کننده شما را به کجا می‌کشاند؟ تاریکیها و ظلمتها، تا کی شما را متحیر می‌سازد؟ دروغ‌پردازها تا چه زمانی شما را می‌فریبند؟ از کجا دشمن در شما نفوذ کرده به اینجا آورده و به کجا باز می‌گرداند؟ آگاه باشید! که هر سرآمدی را پرونده‌ای، و هر غیبتی را بازگشت دوباره‌ایست مردم! به سخن عالم خداشناس خود گوش فرا دهید، دلهای خود را در پیشگاه او حاضر کنید، و با فریادهای او بیدار شوید، رهبر جامعه باید با مردم به راستی سخن گوید، و پراکندگی مردم را به وحدت تبدیل، و اندیشه خود را برای پذیرفتن حق آماده گرداند، پیشوای شما چنان واقعیتها را برای شما شکافت چونان شکافتن مهره‌های ظریف، و حقیقت را از باطل چون شیره درختی که از بدنه آن خارج شود، بیرون کشید.

خبر از مسخ ارزشها در حکومت بنی‌امیه

پس در آن هنگام که امویان بر شما تسلط یابند، باطل بر جای خود استوار شود، و جهل و نادانی بر مرکبها سوار، و طاغوت زمان عظمت یافته، و دعوت

کنندگان به حق اندک و بی‌مشتري خواهند شد، روزگار چونان درنده خطرناکی حمله‌ور شده، و باطل پس از مدتها سکوت، نعره می‌کشد، مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می‌گذارند، و در جدا شدن از دین متحد می‌گردند، و در دروغ‌پردازی با هم دوست و در راستگویی دشمن یکدیگرند و چون چنین روزگاری می‌رسد، فرزند با پدر دشمنی ورزد، و باران خنک کننده، گرمی و سوزش آورد، پست فطرتان همه جا را پر می‌کنند، نیکان و بزرگواران کمیاب می‌شوند، مردم آن روزگار چون گرگان، و پادشاهان چون درندگان، تهیدستان طعمه آنان، و مستمندان چونان مردگان خواهند بود، راستی از میانشان رخت برمی‌بندد، و دروغ فراوان می‌شود، با زبان تظاهر به دوستی دارند اما در دل دشمن هستند، به گناه افتخار می‌کنند، و از پاکدامنی به شگفت می‌آیند، و اسلام را چون پوستینی واژگونه می‌پوشند.